**هو اللّه**

ای پروردگار مهربان شرق در هيجان است و غرب در موج بی پايان نفحات قدس در انتشار و انوار شمس حقيقت از ملکوت غيب ظاهر و آشکار ترتيل آيات توحيد است و تموّج رايات تجريد بانگ سروش است و نهنگ محّويت و فنا در خروش از هر کرانه فرياد يا بهاءالابهی بلند و از هر طرف ندای يا عليّ الاعلی مرتفع و لوله ئی در جهان نيست جز غلغله جلوه دلبر يکتا و زلزله ای در عالم نه جز اهتزار محبّت محبوب بيهمتا احبای الهی در جميع ديار با نفس مشگبار چون شمع روشنند و ياران رحمانی در جميع اقاليم مانند کلهای شکفته از طرف چمن دمی نياسايند و نفسی بر نيارند جز بذکر تو و آرزوئی ندارند جز خدمت امر تو چمنستان حقيقت را بلبل خوش الحانند و گلستان هدايت را شکوفه های معطّر بديع الالوان خيابان حقايق را طرّاحی گلهای معانی نمايند و جويبار هدايت را مانند سرو روان بيارايند افق وجود را نجوم بازغند و مطالع آفاق را کواکب لامع مظاهر تأييدند و مشارق نور توفيق ای خداوند مهربان کلّ را ثابت و مستقيم بدار و الی الابد ساطع و لامع و پر انوار کن تا هر دم از گلشن عنايت نسيمی ورزد واز يّم موهبت شبنمی رسد رشحات سحاب محبّت طراوت بخشد و نفحات گلشن وحدت مشامها معطّر کند ای دلبر آفاق پرتو اشراقی ای محبوب جهان جلوهٴ جمالی ای قويّ قدير خفظ و امانی ای مليک وجود ظهور قدرت و سلطانی ای خدای مهربان در بعضی بلدان اهل طغيان در هوج و موجند و محرکين بی انصاف شب و روز در اعتساف ظالمان چون گرگ در کمين و اغنامی مظلوم و بی ناصر و معين غزالان برّ وحدت را کلاب در پی و تذروان کوهسار هدايت را غرابان حسد در عقب ای پروردگار خفظ و حمايت فرما ای خافظ حقيقی صيانت و حمايت کن در پناه خويش محروس دار و بعون خود از شر در مصون بدار توئی خافظ حقيقی و حارس غيبی و نگهبان ملکوتی و مهربان آسمانى. (ع ع)